

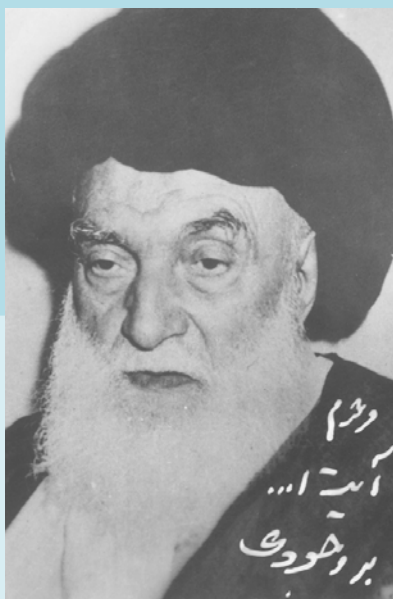
این حوزه را زنده‌تر کنم، مورد رضایت سلسله علما سلف است که، اینها خیلی خدمت کردند به حوزه و به اسلام، چنانکه خدمت کردند به اصل فرهنگ دینی در اصفهان. لذا خوشحالم از اینکه الحمدلله الان هم اصفهان دارای یک حوزه بانشاط پویاست. امیدوارم ان شاءالله با عنایات حضرت ولی عصر این حوزه زنده‌تر بشود و آنچه این وجود بزرگوار و مقدس که صاحب حوزه‌ها هستند، می‌خواهند در حوزه تحقق پیدا کند. ان شاءالله.

○ با توجه به وجود حوزه علمیه‌ای با قدمت حوزه اصفهان چرا در سال ۱۳۰۰ شمسی که حوزه علمیه قم تأسیس شد، مرکزیت حوزه در ایران به قم منتقل شد؟ چه عامل و آسیبی باعث رکود حوزه علمیه اصفهان در آن دوره گردید؟

○ حوزه علمیه اصفهان به خاطر تأسیس حوزه علمیه قم رکود پیدا نکرد. مرحوم

آیت‌الله العظمی حاج سیح عبدالعزیز حائری یزدی (قدس‌ره) از اراک به قم آمدند و در قم ماندند و آنجا یک شکوفایی ویژه پیدا شد و من الان سراغ ندارم که افرادی در آن عصر حوزه علمیه اصفهان را رها کرده باشند از بزرگان و رفته باشند قم یا اگر بودند، خیلی قلیل بوده. این رکودی که گاهی در حوزه اصفهان پیدا شده از نبود علما سرچشمه می‌گرفت، از خلأ بزرگان حوزوی بود. به‌طور طبیعی وقتی که شخصیت‌های علمی در یک مجمع علمی نباشند، خواه ناخواه یک رکودی پیدا می‌شود، چنانکه در همین دوره اخیر که شخصیت‌هایی نظیر مرحوم آقا سید محمدباقر درچه‌ای، مرحوم جهانگیرخان، مرحوم آخوندکاشی و امثالهم بوده‌اند، نه تنها رکودی

پیدا نشد بلکه رونق بسیار داشت. در این دوره مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی، هم آن دوره طلبه اصفهان بودند ولی بعدها دو



جدید و با امکانات امروزی و چه در تأسیس رشته‌های تخصصی و تربیت طلاب در این گروه‌ها و چه در به وجود آمدن یک نسل جدید جوان از طلاب، به وقوع پیوسته که امیدواریم خداوند تعالی، عنایات خودش را همراه با الطاف

صبر و صبر وی عصر «رواستاد» به صاحب اصلی حوزه‌های علمیه‌اند، بیش از پیش نازل فرماید و این حوزه به سربلندی هرچه بیشتر نایل شود.

لذا ملاحظه می‌کنید که حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ جزر و مد عجیبی داشته و بزرگانی از این سینا گرفته تا محقق کرکی و از او تا علامه مجلسی و از ایشان تا سید حجت‌الاسلام و از او تا مرحوم آخوندکاشی و از آن بزرگوار تا دوره اخیر و تا به امروز در دوره‌های مختلف در این حوزه بوده‌اند، این جزر و مد گاهی از نظر کمیت و از نظر کیفیت خیلی بالا بوده اما گاهی هم کم‌رنگ می‌شده ولی هیچ‌وقت خاموش نشده است. یکی از عللی که من در سال ۱۳۷۴، به درخواست علمای اصفهان و از طرف هیئت مدیره آنجا بودم که احساس می‌شد که حوزه در مخاطره است و دیدم اگر بتوانم با کمک علما و فضلا

همان زمان‌ها و از آثار عظیم دانشمندانی مثل میرداماد و شیخ بهایی و صدرالمتألهین و علامه مجلسی و پدر ایشان و فاضل هندی معروف به کاشف اللثام و امثالهم است.

بعدها به علت بعضی بی‌لیاقتی‌ها و مشکلاتی که در حکومت صفویه پدید آمد و قدر این فضای علمی فرهنگی را به درستی ندانستند و منجر به هجوم وحشیانه افغان‌ها شد، دوباره اصفهان با یک آشفتگی روبه‌رو شد و سیر صعودی حوزه علمیه هم متوقف شد. حکومت‌های بعد از صفویه هم که اصولاً به علم و ترویج دین، چندان توجهی نداشتند تا نوبت به دوره قاجار و پهلوی رسید که از جهاتی بدترین دوره‌هاست، به ویژه از جهت علمی و فرهنگی ولی باز هم حوزه علمیه اصفهان بعد از یک سیر رکودی در همین دوره علما و مکاتب علمی خوبی داشته است. ورود مرحوم سید حجت‌الاسلام یعنی سید شفتی و مرحوم حاجی کلباسی، دوباره حوزه را بعد از آن رکود حاصل از حمله افغان‌ها زنده کرد و تا این اواخر که علمای اصفهان و مبارزهای مثل مرحوم آقای حاج آقا نورنجفی یا مرحوم شهید مدرس در دوره قاجار و اوایل پهلوی ظهور کردند. در نهضت مربوطه و همچنین در جریان مبارزات ملت ایران با نظام استبدادی پهلوی هم این حوزه و علمای آن، نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند. لذا همین دوره هم علی‌رغم رکودهایی که بر حوزه علمیه اصفهان، گاهی کمتر و گاهی بیشتر حاکم می‌شده ولی در عین حال، نقش علمی و اجتماعی علما و حوزه علمیه قابل تقدیر و بررسی و تحلیل تاریخی است.

دوره آخری هم که در حوزه علمیه اصفهان در حال وقوع و تجربه است مربوط به بعد از انقلاب پرشکوه اسلامی است که از سال ۱۳۵۷ تا پیش به این طرف شروع شده و از آنجا تاکنون، تغییرات عمده‌ای چه در ساختار مدیریتی حوزه و چه در امور تحقیقاتی به شکل